

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۲۰) سفرهٔ سجاده گون

پرسیدم:

- بالاخره سلوک چیست؟ رفتن در امتداد این جاده به سوی افق، یا رفتن به سوی "او"؟

فرمود:

- رفتن به سوی افق با رفتن به سوی "او" همراستا هستند.

افق محل رسیدن زمین به آسمان، یا بهتر بگوییم، دیدارگاه زمینیان و آسمانیان است.

آسمانیان بندگانی گرامی اند که به فرمان "او" کار می کنند

و یکی از وظایفشان این است که، به تعبیری، زمینیان را به پیشگاه "او" ببرند.

گرچه، در حقیقت، همه هستی، همیشه و در همه حال، در پیشگاه "او" حضور دارند.

پرسیدم:

- اگر قرار است جاده روان، همچون یک تسمه نقاله، ما زمینیان را به افق برساند و تحویل آسمانیان دهد و سپس ایشان ما را به پیشگاه "او" ببرند، دیگر چه ضرورتی دارد که ما خودمان هم، به عنوان سالک، کاری انجام دهیم؟

فرمود:

- مگر نگفتید که برای دیدار "او" شوق فراوان دارید؟

پس چه طور حاضر نیستید خودتان هم گام هایی در امتداد جاده و در جهت افق بردارید تا هر چه زودتر به

بارگاه "او" مُشرف شوید؟

آیا مایلید که جاده شما را با سرعت آن سنگ و همزمان با آن به افق برساند؟

نمی خواهید شخصاً در این راه کوششی کنید؟

فراموش نکنید که

تنها کوشندگان (کادحان)، اجازه ملاقات با "او" را خواهند یافت.

با شرمندگی سرم را به زیر انداختم چون چیزی برای گفتن نداشتم.

ادامه داد:

- رفتن به سوی افق، یعنی همگام شدن با کل هستی.

سلوک راستین چیزی جز این نیست، و درگنه همه آن چه که به عنوان تعریف و یا وصف سلوک گفته شده است، همین نکته نهفته است.

کل هستی از "او"ست و به سوی "او" باز می گردد،

پس اگر به راستی شوق آن داری که زودتر به سوی "او" باز گردی، با قافله هستی همسفر شو

و نیز

در حد توان بکوش تا دیگران را هم برانگیزی تا به این کاروان پیوندند.

پرسیدم:

- آیا از پس چنین کوششی بر می آیم؟

فرمود:

- چرا که نه!

اولاً، در این راه

چه در زمینه عبودیت و چه در زمینه عبادت،

از هیچ موجودی بیش تر از توانایی اش خواسته نمی شود.

ثانیاً،

بر خلاف تصور رایج،

سلوک، به معنی ریاضت کشی های دشوار و رنج آفرین نیست؛

به عکس، سلوک ممکن است بسیار ساده و دلنشین باشد.

پرسیدم:

- چه طور؟

فرمود:

- پدر و مادری را در نظر بگیرید که پس از عبادتِ صبحگاهی (تلاوتِ قرآن، اقامهٔ نافلهٔ نماز شب، و ادایِ فریضهٔ نماز صبح)، رَحَل و سجاده را، همچون همیشه، در بالاترین مکانِ اتاق قرار می دهند و سپس زندگیِ عادیِ خود (عبودیت) را آغاز می کنند.

پدر به نانوايي می رود تا نان گرم به خانه بیاورد.

مادر سماور را روشن و چای را آماده می کند، سفره را می گسترَد تا نان گرم پدر در کنار پنیر تازه و چایِ داغ در آن گذاشته شود.

سپس فرزندانِ خردسالشان را بیدار می کنند تا آن ها، بعد از صرفِ صبحانه و تقویتِ جسمِ شان، به مدرسه بروند و با آموختنِ علم، بر توانمندیِ روحِ شان بیفزایند، و برای دستیابی به یک زندگیِ کامل تر (همسفر شدن با قافلهٔ هستی) مهیا شوند.

با تعجب گفتم:

- خوب، این که همان کاری است که همهٔ پدر و مادر ها، به عنوانِ وظیفه، هر روز انجام می دهند. در این

ماجرا، سلوک کجاست؟

پاسخ داد:

- یک زندگی کاملاً عادی و مطابق با غریزه و سرشت انسانی و انجام وظیفه در چارچوب آن، گاه می تواند ساده ترین، و حتی برای برخی کسان، بهترین شیوه برای تکمیل سلوک عبادی باشد.

در این نوع سلوک کامل (ترکیب عبودیت و عبادت)، سفره صبحانه و سجاده نماز، نمادهای بندگی و پرستش "او"، و دو روی یک سکه اند: سکه سلوک

پرسیدم:

- این نوع سلوک تمام عیار، کی و از کجا باید آغاز شود؟

فرمود:

- برای شروع، امروز بهتر از فرداست.

چرا باید چنین کار مهمی به فردا موکول شود؟

امروز همان فردایی است که دیروز در انتظارش بودید.

سلوک را باید از خود آغاز کرد و در کنار خانواده ادامه داد. یعنی شخص باید، خود، آگاهانه، به قافله هستی

پیوندد و خانواده اش را هم همراه ببرد.

آن گاه نوبت به بستگان و نزدیکان، و سپس به دیگران می رسد.

ناگهان پرسید:

- راستی! چه می شود اگر آن پدر و مادر، از آن صبحانه **خود**، یک سینی پر از نان های گرم و پنیر تازه و

چای داغ برای همسایگان **سالمند** و یا **مستمند** نیز ببرند؟

گفتم:

- کار پسندیده ای است. عبادت به جز خدمتِ خلق نیست.

فرمود:

- خدمت به خلق، گرچه کاری بسیار **سُودنی** است، اما، به تنهایی، نمی تواند جایگزین عبادت شود.

نزد "او"، هر نوع عملِ صالح، تنها در بستری از ایمان و به نیتِ **تَقَرُّب** پذیرفته می شود.

افزود:

- بردن آن سینی، اگر با ایمان و به نیتِ نزدیک شدن به "او" و جلبِ رضایتِ "او" همراه باشد، هم

پسندیده است و هم خدا پسندانه؛

آمیزه ای از عبادت و عبودیت است.

و این گونه ترکیب، والاترین و مؤثرترین شکلِ سلوک است

به ویژه اگر، این کار نیک، نه برای **خود** و **کسانِ خود**، بلکه برای **غیرِ خود**، انجام شود.

ادامه داد:

- چه بسا که شادیِ دل و دعایِ خیرِ آن سالمند یا مستمند، به خواستِ "او"، شخصِ نیکوکار را در یک چشم بر هم زدن به افق برساند.

اگر "او" اراده کند، گستردنِ سفره ای سجاده گون برای نزدیکان و نیازمندان، شیوه ای آسان و کارآمد برای تحققِ نوعِ خاصی از سلوک خواهد بود؛

سلوکِ آنی:

یعنی همان

"یک شپه ره صد ساله رفتن"

ادامه دارد